

# سرزمین‌های مقدس

## جانانان استیل

به اسارت گرفتن، سربریدن، عملیات انتحاری و نارواداری مذهبی، فرقه‌گرایی و جنگ، آیا این هر دو روی سکه خاورمیانه است که رسانه‌ها باز می‌تابانند؟ نویسنده، با نگاهی به گذشته‌ی خاورمیانه، پیش از تشکیل سرزمین‌های کنونی و نیز جوانه‌های رواداری امروز، از صلح و چگونگی دستیابی‌اش در خاورمیانه سخن می‌گوید.<sup>۱</sup>

---

**سرزمین‌های مقدس: احیای تکثرگرایی در خاورمیانه**، نویسنده: نیکولاس پلام، انتشارات: کلمبیا گلوبال

ریپورتس، ۲۰۱۶

نمایندگان آیت‌الله‌های شیعه، اسقف‌های مسیحی را در حرم امام علی در شهر مقدس نجف راهنمایی می‌کنند. کمی دورتر در دانشگاه کوفه رئیس دانشکده‌ی حقوق اسلامی به عنوان بخشی از برنامه‌ی بین‌الادیان خود سرگرم آموزش تلمود است. خاخام میخائیل ملکیور، معاون پیشین وزیر امور خارجه‌ی اسرائیل، و ناصرالدین الشاعر، عضو حماس و معاون پیشین نخست وزیر حکومت خودگردان فلسطین، درباره‌ی معاهده‌ی صلح جدیدی برای فلسطین مذاکره می‌کنند. در همین حال در استانبول رهبران محلی مسیحیان و مسلمانان ایده‌ی وقف مجدد ایاصوفیه را مطرح می‌کنند. آنها می‌خواهند این بنا را، که ابتدا کلیسای اسقف اعظم امپراتوری بیزانس و سپس مسجد محبوب خلیفه‌ی عثمانی بوده، به عبادتگاه مشترک اسلام و مسیحیت تبدیل کنند تا پیروان این دو دین بتوانند جمعه‌ها و یکشنبه‌ها در آن دعا بخوانند.

ممکن است برخی این پدیده‌ها را غیرعادی بدانند اما به نظر نیکولاس پلام، این شواهد نشان می‌دهد که روایت اکثر رسانه‌ها از خاورمیانه، که بر رویدادهای ناخوشایند و فرقه‌گرایی تنگ‌نظرانه متمرکز شده، ساده‌انگارانه و نادرست است. به ندرت می‌توان کتابی درباره‌ی خاورمیانه یافت که به آینده خوش‌بین باشد؛ از آن کمیاب‌تر این است که کتابی از نقش مثبت رهبران ادیان و فدرالیسم عمل‌گرایانه در دستیابی به صلح سخن بگوید.

در صلاحیت پلام نمی‌توان تردید کرد. او که اکنون برای هفته‌نامه‌ی **اکنونیست** کار می‌کند و پیشتر برای روزنامه‌ی **فایننشال تایمز** کار می‌کرد، یکی از معدود خبرنگاران غربی در خاورمیانه است که به زبان عربی تسلط دارد و فهم

---

<sup>۱</sup>جانانان استیل، ستون‌نویس روزنامه گاردین، خبرنگار سیار و نویسنده است. او از ۱۱ سپتامبر به بعد گزارش‌هایی از افغانستان و عراق و نیز جنگ فلسطین و اسرائیل تهیه کرده است. کتاب جدیدش **ارواح افغانستان** نام دارد. مقاله‌ی حاضر، برگردان و بازنویسی این نوشته‌ی اوست: Jonathan Steele, [‘Holy Lands by Nicolas Pelham review-positive thinking about the Middle East’](#), *The Guardian*, 4 August 2016

دانش‌ورانه از فرهنگ و تاریخ خاورمیانه را با دقت روزنامه‌نگارانه به جزئیات جالب درهم آمیخته است. کتاب او عمدتاً به عراق و فلسطین/اسرائیل می‌پردازد اما در آن دو مصاحبه‌ی جذاب هم وجود دارد: یکی با ابوقطاده، خطیب کارکشته‌ی جهادی، که در حریم خصوصی خانه‌اش در اردن به طرز شگفت‌آوری واژه‌های زشت و رکیک بر زبان می‌راند؛ و دیگری با آرا سارافیان، مورخ ارمنی تبعیدی که عثمانی‌گرایی مبتنی بر دموکراسی را بهترین راه برای تضمین توسعه‌ی صلح‌آمیز ترکیه می‌داند.

پلام از سارافیان بلندپروازتر است. او احیای ارزش‌های عثمانی را بهترین راه برای پیشرفت کل خاورمیانه می‌داند. پیش از این نویسندگان بسیاری تکثرگرایی دینی امپراتوری عثمانی و رواداری سلاطین آن در برابر فرهنگ‌های گوناگون را ستوده‌اند. مورخان با استناد به این سابقه‌ی تاریخی به کسانی که اسلام را به تعصب و سرکوب دیگر ادیان متهم می‌کنند، پاسخ داده‌اند. پلام موضع مشابهی دارد و می‌گوید قبلاً اقلیت‌ها نه به اروپا بلکه از اروپا می‌گریختند و امپراتوری عثمانی ملجأ و پناه بسیاری از آنها بود.

اما او صرفاً در پی مطالعه‌ی گذشته نیست: به نظر پلام، امروز می‌توان بهترین جنبه‌های گذشته را زنده کرد. وی می‌گوید که هم‌سازی نسبی امپراتوری عثمانی ناشی از این بود که سلاطین عثمانی اداره‌ی امور جوامع دینی گوناگون، یا «ملت‌ها»، را به رهبران این جوامع واگذار کردند. او می‌نویسد: «اسقف‌های اعظم، خاخام‌های اعظم، و روحانیون مسلمان، تئوکراسی‌های نیمه‌خودمختار را بر اساس قوانین دینی خود اداره می‌کردند. این رهبران بر ملت‌ها یا هم‌دینان خود حکم می‌راندند اما اراضی را اداره نمی‌کردند... گتو یا جامعه‌ی بسته‌ی دینی وجود نداشت. از نظر ارضی، قدرت رهبران با یکدیگر هم‌پوشانی داشت». این نظام ملت‌سالاری بود.

با سقوط امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول این نظام برچیده شد. ملت‌کشی دو عامل داشت: ترک‌های جوان که متأثر از ملی‌گرایی به سرکوب یا اخراج اقلیت‌ها پرداختند، و رهبران غربی که می‌خواستند به خاورمیانه شکل جدیدی دهند و آن را به ملغمه‌ای از کشورهای هم‌گون تبدیل کنند. پلام از فریتیف نانسین، جهانگرد و دیپلمات نروژی و برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل سال ۱۹۲۲، به شدت انتقاد می‌کند زیرا او به بهانه‌ی مبادله‌ی جمعیت، فرمان پاکسازی قومی جوامع ترکی و یونانی امپراتوری عثمانی را صادر کرد. نانسین می‌گفت: «جداسازی جمعیت‌های خاور نزدیک صلح حقیقی در خاور نزدیک را تضمین خواهد کرد.» پلام اولیای امور در لندن و پاریس را، که راهبردی مشابه نانسین داشتند، از انتقاد بی‌نصیب نمی‌گذارد و آنها را نکوهش می‌کند. دولت بریتانیا، اورشلیم و سپس کل فلسطین را از نظر دینی به بخش‌های جداگانه‌ای تقسیم کرد. در سال ۱۸۷۰، فرانسه نظام ملت را در الجزایر از بین برد و شهروندی فرانسه را تنها به یهودیان این کشور اعطا کرد.

پلام می‌گوید: «جداسازی فرقه‌ها به جنگ‌های صدساله‌ای انجامید که هدف از آن تبدیل جوامع مقدس به سرزمین‌های مقدس بود... جوامع دینی شکل و شمایل دولت‌ملت را پیدا کردند. دفاع از سرزمین بر ارزش‌های جهان‌شمول تقدم یافت... در پی این دگرگونی، ملت‌های منطقه به اندازه‌ی جهادگران امروزی از خود سنگدلی نشان دادند». ژنرال‌های ترک‌های جوان، ملت ارمنی در شرق و ملت یونانی در غرب ترکیه را از بین بردند. ملی‌گرایان

یهودی ۸۵ درصد از ملت مسلمان فلسطین را نابود کردند. در جدیدترین فصل ملت‌کشی، داعش با نابودی ایزدی‌ها، مسیحیان آشوری، و مسلمانان شیعه‌ای که بیش از یک قرن در بین‌النهرین زیسته بودند، منطقه‌ی تحت کنترل خود را هم‌گون کرده است.

پلام از آل سعود به شدت انتقاد می‌کند. پادشاهان سعودی به شرکت‌های ساختمانی اجازه داده‌اند که لاس وگاسی اسلامی در مکه بسازند اما در عین حال به غیرمسلمانان اجازه نمی‌دهند که به مکه وارد شوند، به‌رغم این واقعیت که پیامبر اسلام با همسران یهودی و مسیحی خود در این شهر زندگی می‌کرد. پلام از بعضی از مناطق شمال اسرائیل به نیکی یاد می‌کند، یعنی جایی که یهودیان و مسلمانان محله‌هایی مبتنی بر رواداری متقابل ساخته‌اند.

اینها جوانه‌های نورسته‌ی تجدید حیات نظام ملت است که به نظر پلام بهترین راه برای پایان دادن به انحصارطلبی‌های فرقه‌ای امروز است. به جای مذاکرات صلح بر اساس مرزبندی و جدایی، یعنی همان راه‌حل تشکیل دو کشور فلسطین و اسرائیل، پلام طرفدار راه‌حل مبتنی بر تشکیل کشور واحدی است که اعراب و یهودیان در آن شهروندانی برابر باشند. اما افزون بر آزادی‌های فردی باید خودمختاری نظام‌های دینی به رسمیت شناخته شود. این همان چیزی است که در پیمان طائف دیدیم؛ معاهده‌ای که به جنگ داخلی لبنان پایان داد. پلام می‌گوید که در اردن و اسرائیل محاکم دینی افراد را از ازدواج با غیرهمکیشان خود بازمی‌دارند اما به عقیده‌ی او سابقه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که وقتی ترس‌ها از بین برود رهبران دینی می‌توانند عمل‌گرا شوند. هر چند داعش بیش از دیگر گروه‌های سنی به شیعیان بدبین است اما سوءظن به شیعیان در میان دیگر سنی‌های عراق و در همه‌ی کشورهای سنی‌نشین خلیج فارس رواج دارد. این بدبینی در صورتی کاهش می‌یابد که رهبران دینی از طرد شدن نترسند و بتوانند رواداری و سعه‌ی صدر را که زمانی وجه تمایز خاورمیانه بود، احیاء کنند.

پلام آن قدر واقع‌بین است که بداند دولت‌های تندرو، منافع دیرینه‌ی گروه‌های خاص و فشارهای رسانه‌های متعصب، تغییر افکار عمومی را دشوار می‌کند. اما او به طور متقاعدکننده‌ای نشان می‌دهد که ائتلاف منطقه‌ای ملت‌های هم‌پوشان، فارغ از مرزهای ارضی، بیش از دستورکارهای فعلی حل اختلافات به بازگرداندن ثبات به خاورمیانه کمک می‌کند.

برگردان و بازنویسی: عرفان ثابتی